

سُردار داود خان

در کذشته نمکین

حاضر جنایت بار

ستقبل هولناک



1918 A.D.

بنام خداوند دانا و داد گر

مقدمه



آنچه که مردم رسالت آسمانی خود مبارزه در راه برچیدن بساط ظلم و استبداد را فراموش کنند، از نعمت حریت و آزادی محروم می شوند، در این جاست که دروازه های زندان بروی شان باز می شود — شلاق ستمگرانه بيرحمانه بر فرق شان فرو می بارد. ظلم و بے داد، جای عدل و انصاف را می گیرد — ذلت و محرومیت بسراغ آنان می رسد، و سرانجام چون ملتهای ذلیل و بدنام عنوان عبرت تاریخ را می گیرند؛ ملتهای آزاد و نسلهای بعدی بر آنان نفرین می فرستند، و در راه قبول زنجیر و زندان به خاطر عدل و آزادی و در راه سرنگون ساختن کنگره های ظلم و استبداد ذلت و محرومیت نیست. کمال ذلت یک ملت در آن است که روحیه آزادی و مقاومت در بر این عدالتی و استبداد را از دست دهد.

آری سلولهای زندان دلیل ذلت نیست چه بسا که افراد و ملتها با پذیرش شکنجهها در سلولهای هولناک زندان به اوج عظمت می‌رسند، و یا از فراز چوبه‌های دار دپس آزادی می‌زهند، راه عظمت و شکوه مندی را برای دیگران بآزمی کنند. در فرهنگ انقلابی و زندگی ساز اسلام ترک جهاد و مبارزه عامل ذلت و محرومیت شناخته شده است. نخستین بار همسکر ارجمند پیامبر گرامی (ص) ابو بکر صدیق (رض) ضمن فرمایشات از زنده خود فرموده است «بیچ ملتی جهاد و مبارزه را ترک نگفته است. مگر آنکه ذلت و محرومیت براغش رسیده است». قرآن کریم طی هدایات جاودان خویش آنها را که در برابر استبداد مقاومت نکرده و تسلیم ظلم می‌شوند مورد نکوهش قرار داده و این ستمکشان بیروح و حرکت را شریک ظلم و ستمکر می‌خواند. آنجا که می‌فرماید: آنها را که فرشتگان قبض روح می‌کنند در آنحال که ایشان برخویلند مشمگر بودند، فرشتگان از آنها سوال می‌کنند: شما در چه حال قرار داشتید؟ جواب دهنده: بر روی زمین وا مانده و ناتوان بودیم، فرشتگان در جواب می‌گویند: مگر زمین خدا فراخ نبود تا دران

مهاجرت می کردید . یعنی اگر چیز دیگری از دست نان ساخته
تبود کم از کشور ستمگران چرا بیرون نرفتید .

قیام در برابر جباران و ستمگران مقاومت در مقابل ظلم
و بیعدالتی اولین درس مکتب اسلام ، و از خواص عمدۀ ملتهای
آزاد و آزادی خواه است

ملت پر شورش و آزادی خواه ما طی ادوار تاریخ پر افتخار
خود با جباران سرکش که می خواستند روحیه آزادی - خواهی
این ملت را از بین برند و آن را محکوم و اسیر سازند پنجه
ترم کرده است . در گذشته های پر افتخار ، گذشتگان پر محمد
و جلال ما ، به ذلت تن در ندادند آفانی و باداری خائنان
سرکش را نپذیرفتند و در تاریخ معاصر یک بار دیگر همین
اکنون ملت غیور ما در برابر امتحان تاریخ قرار دارد . یکتن
از دیوانه گان یکی از خائنان و وطن قروشان معروف ، و یک دشمن
قدیمی فرهنگ و تاریخ افغانستان به کملک صهیونیزم و کمونیزم
بین المللی بر اوضاع مسلط گشته - و بانظام طاغوتی خود لکه
ننگ را در تاریخ کشور نجا گذاشته است . گرچه این پدیده
ننگین لکه عار و ننگ در تاریخ ملت ماست . اما خوش بختانه

که مردم پر شور و غیرت مند ما مسئولیت تاریخی خود را فراموش نکرده و روح مقاومت را از دست نداده اند. و چنانچه جهه ای همه خبر دارند که گروه از فرزندان فدا کار این وطن که دلشان به فروغ ایمان روشن، و قلب شان از عشق وطن سرشار و ملا مال است سر از اولین روز های وقوع این فاجعه ننگین آرام نه نشسته و اجازه نداده اند که این سفالک خون آشام و دار و دسته دزد و رهزنش خواب آرام کشند قیام مردانه این شوریدگان دلیر در پنجسیر. لغمان. کنترها. و پکتیا. علیه نظام طاغوتی و ببری سردار سفالک صفحه زرین دیگریست که بر تاریخ مبارزات قهرمانانه ملت ما افزوده شد. آن شهیدان شجاعی که دره های پنجشیر را بخون پاک خود گلگون ساختند این حقیقت را بجهانیان عملأ ثابت کردند که پیروان قرآن در سر زمین سلحشور افغان شکست نا پذیرند آنها هرگز درفش مبارزه را بر زمین نمی گذارند تا آنکه بساط ظلم بر چیده نگردد. و دشمنان خدا نابود نگردند.

گرچه داؤد خان و ماهیت ننگین نظام او بر همه روشن است اما جهت مزید معاومات این حقایق را غرض مزید اطلاع

•

هموطنان طلیر و فدا کار خود تقدیم می داریم ، خدا کند با آشناش
به آن ، شعله مبارزه علیه این نظام فاسد در خمیر فرد هم
میهنان ما نند ترو تیز تر گردد .

کابل ۲۵ حمل ۱۳۵۵

—:ο:—

سردار داؤد خان

در گذشته ننگین

سردار داؤد خان یکتن از فرزندان ناز دانه خاندان محمد زائیست . که در خانواده سلطنتی بدینا آمد . و چون همه اشراف زادگان خاندانی در میان ناز و نعمت بزرگ شد . و برسم کاخ نشینان از همان آوان کودکی به عربده گوئی و بد مستی می پرداخت . فضای خیالی پر ناز و نعمت کاخ سلطنتی . و اختلال دماغی مادر زادی گراف بد مستی او را بالا برد ، و چون آخرین شاهان سلسله یفتلیها در هند که از کمال بد مستی دست بدیوانگی زده و اوقات خود را به لول دادن پیل از فراز قلعه های بلند می گذشتندند و سرانجام توسط آنها سلط و حکمرانی یفتلیها بر هند خاتم یافت ، سردار داؤد هم که سلسله خاندان محمد زائی بدست او خاتمه می یابد دیوانگی ها می کرد . داستان های دیوانگی و اختلال عقلی او فراوان است از جمله این که در وقت وزارت

حریمه خود ستوانها را دندان می گرفت . موته را عکوم به جبس می کرد . او کلاه خود را محکم نمود ، بر قبّه مشخور را جبس دو لم داد . محافظ خود را بالگدزده و کشت . این ها و صد ها و قایع دیگری از این قبیل نقاط بارزی از تاریخ زندگی او را تشکیل می دهد . همان بود که بنام سردار دیوانه مشهور شد .

کوز دماغی و ف استعدادی شاخص برجسته زنگی او را تشکیل می دهد . مکتب خاندانی خود لیسه استقلال را پیاپیان رسانیده قوانست و بالکهادالر از خون مردم گرسنه و محروم جامعه ما راه پاریس را در پیش گرفت . و سالیان . چند در آنجا به عیش و عشرت گذشتاند و سپس ف آنکه کدام سند تحصیلی بدست یورد با ارمنان شوم با تاریخ و فرهنگ که از سوغاتهای شوم استوار است بکشور باز گشت و در وزارت خارجه موظف شد . و باز بدون داشتن سابقه عسکری فقط بعض شامل شدن در کورسی برتبه بود جنرال ارتقا نمود و بعیث رئیس تنظیمه ، وزیر حرب . و سفیر فوق العاده دربار سلطنتی . و صدر اعظم ، مقرر شد .

لو دو حمه دوره های کار مندی خود جشن های آدم کشی

را بربا کرده و از هر طبقه مردم و به اشکال مختلف کشتار نمود ، قوم صاف را با توب و هوا پیما بخاک و خون کشید . مردم قتلعام را با تانگ و ماشیندار مورد حمله قرار داد . قلوم محروم ستم دیده هزاره را علاوه بر انواع شکنجه ، و تعذیب ترور کرد . چنانچه علی اصغر شعاع را در زندان مسموم ساخت ، اسحایل بلغی را در شفا خانه کشت ، پروفیسور نوروز علی در خانه اش ترور گردید ، عده زیادی از تاجکها - و ترکمن ها - در آن عهد تبعید گشته . و در عهد وزارت حریبه خود تصمیم گرفت که به تهمت خواجه نعیم ، چند اول را با همه ساکنانش بمبارد کنند و نسل مردم هزاره را یکسره نابود نماید اما موفق نشد .

در عهد تنگین صدارت خود شبکه های مختلف جاسوسی را فعال ساخت . جولیسیس دولت ، علمای مبنی را در مساجد شان آرام نمی گذاشتند ، در همان وقت گسروه زیادی از امامان از مساجد شان اخراج ، و عده دیگری زندانی شدند . و با اعلان رفع حجاب از زاه زور دشمنی خود را با احکام قرآن عملاً آشکارا ساخت .

برای عملی ساختن نقشه های استعمال نوین احزاب مزدور

چاکر سوسیال امپریالیزم را پایه گذاری کرد. و از بودجه دولت برای پیشرفت و تقویت آنها مبالغ هنگفتی را تخصیص داد. او دروازه های افغانستان را در ساحه های نظامی، اقتصادی، و فرهنگی بروی استعمار روسی باز کرد. قرارداد های خاتنانه تفحصات شہال - شاه راه سالنگ و یک تعداد از پروژه های نی ثمر دیگر را که همگی بار سنگینی را بر دوش ناتوان جامعه ما تحمیل کرده اند، همه در زمان صدرارت او با روسها بسته شدند. و همه می دانیم که این پروژه ها هیچ هدف اقتصادی جزء وسیله برای تعمیق نفوذ روسیه شوروی و ورشکست کامل اقتصادی افغانستان در بر ندارد.

خریدن اسلحه فرسوده و کهنه قرار داد خرید سائز اموال غیر اقتصادی روسی، همگی روی همین هدف صورت گرفته است، تا کشور ما در زنجیر قروض روسی اسیر ماند و استقلال اقتصادی و سیاسی خود را از دست بدهد. بخاطر راه یافتن امپراطوری شوروی به بحر هند موضوع پشتوانستان را داغ ساخت. و چندین بار زمینه پیاده شدن عساکر روسیه را در کشور ما آماده ساخت. اما شرایط ملی و بین المللی مانع این کار شد.

و البته همه می دانیم که سردار داود خان ابدآ بسر نوشت مردم پشتون و بلوج که در ماوراء خط دیورند بسر می برند علاقه و دلچسپی ندارد . او که دشمن ستر سخت پشتون و بلوج در داخل کشور است - و با پشتون ها و بلوج های داخل کشور چه فجایعی نبود که مرتکب شد . پس با پشتونها و بلوج های آن طرف دیورند چه خواهد کرد . و چنانچه همه شاهد این حقیقت می باشیم که سردار خائن فقط بخاطر دوام چند روزی کرسی ظلم استبداد خود ، مبارزات چندین سالانه پشتون ها و بلوج ها را به لگد زده قرار داد های سری خائنانه را با مقامات پاکستانی امضا می نماید . راستی اگر سردار داود خان خائن باشد پس در این شرایطیکه هنوز خون مبارزین پشتون و بلوج خشک نشده و همه زعمای نیشنل عوامی و خدائی خدمت گار در مزندان های بسر می برند داود خان در تفریح گاه لادور و مرت مشفول تفریح و هوا خوری است . این ها همه صفحات آلوذه از خیانت ها و جنایات بزرگ و تاریخی سردار سنگاک است که ملت افغان و مردم غیور پشتون و بلوج هر کثر آن را فراموش نموده اند کرد .

او در تمامی عهد صدارت خویش بعنوان یک عضو وفادار شبکه های جاسوسی B. G. — خدمات بزرگ برای روسیه شوروی در منطقه انجام داده است این حقیقت را (پنوفیسکی) یکتن از جاسوسان روسی در کتاب خویش که در زبان فارسی پنام (یاداشت های پنوفیسکی) ترجمه شده طی ص ۱۱۷-۱۱۸^{۱۱۹} چنین شرح می کند : در حال حاضر عملیات اطلاعات در هندوستان با زحمت و اشکالات مختلفی مواجه است معهداً گرفت عامل (استخدام اجیر جاسوسی) و تماس با شبکه عاملین ادامه دارد - عملیات تا مدت معین متوقف می ماند لیکن به محض این که علامت مخصوص تجدید فعالیت می رسد عاملین ما فوراً دست بکار می شوند . و در همین اثنا به عاملین پول و لوازم و ادوات خص تحویل . و کاندید جدید را برای استخدام در نظر می گیرند - وهم B. G. R. U. G. وهم K. ، قدرت زیای در پیدا کردن عاملین خوب در هندوستان دارند ، هر دو مرتباً ناظر اقدامات و عملیات نهرو دولت ، سیاست و دیپلماسی او می باشند . در پاکستان . قسمت اعظم عاملین هر اساس خراب کاری و اینجاد فساد ملتکی می باشد . زیرا این طور تلقی شده که دوستی

و صمیمیت پاکستان نسبت به شوروی از هندوستان کمتر است . و وقتیکه من در بخش مربوط به پاکستان کار می کردم نقشه و طرح های فعالیت تخریبی و ایجاد فساد در پاکستان و نتائجی که باید از اجرای آن نقشه ها عاید شود تکمیل شده بود . از جمله طرحهای مربوط خراب کردن منابع آب و سدها . و مسموم ساخن مخازن آب مشروب و از این گونه کارها که به متظور تولید هراس در میان مردم تهیه می شد :

در اینجا شاهد و مثالی ذکر می شود تا معلوم گردد چگونه شوروی توسط افغانستان می خواهد مناسبات بین هندوستان و پاکستان را بهم زند مارشال سکولودسکی در سپتامبر و اکتبر ۱۹۶۱ (وقتیکه داود خان صدر اعظم افغانستان بود) هراه گروه بزرگی از افسران ارشد به افغانستان مسافرت کرد . مقصود از این سفر بررسی آمادگی نیروی مسلح افغانی بود که امکان اجرای طرح های ترقی و توسعه معلومات جنگی و افزایش قدرت نیروی ارتش افغان بر روی شود همچنین زمینه برای آموزش کامل و جامع افسران افغانی در دانشکده های شوروی . واعزام عده زیادی از معلمین نظامی شوروی به افغانستان در موقع

مقتضی بمنظور عملیات مشترک علیه پاکستان صورت گرفت، همچنین سکولودسکی دستور داشت که برخی مناطق مخصوص را جهت استقرار پای گاهای موشك در افغانستان انتخواب نماید و بعد ها در آن اراضی اقدامات نقشه برداری و مهندسی انجام پذیرد.

در همین وقت دسته از افسران B. G. - برای اعزام عوامل به پاکستان از طریق افغانستان خود را حاضر می کردند.

از این نوشته صریحاً بر می آید که سردار خائن می خواست کشور ما را بحیث مرکز (شبکه های جاسوسی روسی قرار دهد) آری او بعد از این که از لحاظ نظامی و اقتصادی وطن ما را جزء اعماد اتحاد شوروی قرار داده بود، تصمیم داشت آن را بحیث پایگاه جاسوسی شوروی ها نیز قرار دهد. تذکر این حقایق تلغی دشمنی ها و عداوت های مسلسل او بالخلق و دین، ظلم و استبداد جنایاتی حساب او در گذشته عنوان یک تراژیدی غم انگیزی را دارد که وجودان ملت ما را همیشه آزار می دهد. مردم ما آن عهد ننگین و جنایات وحشیانه او را هرگز فراموش نکرده و نمی کنند.

در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ سردار، توسط کودتای سوسیال امپریالیزم، روسی دوباره روی صحنه آمد - این حقیقت که در این کودتا شوروی نقش اساسی داشته مطلبیست که نیازی به آوردن استناد و شواهد نداشت. زیرا این حقیقت را همه مردم دانسته‌اند. و تا آنجا که بسیاری از احزاب کمونیست پیرو مسکو آن را جسن گرفتند - چنانچه بقایای حزب توده جناح میکو در کشورهای غربی از کودتای سردار داود خان و کودتای پرنگال بیگرمی استقبال کردند آنها نقش فعال شوروی را در این کودتا مستوده‌اند. (نقل از دا نشجو نشریه سازمان جوانان ایرانی)

در کانگرس بیست پنجم حزب کمونیست روسیه بریئنیف در سخنان خود شرایط فعلی افغانستان را از پیروزی‌های حزب کمونیست شوروی حساب کرده و از داود خان تمجید کرد. نشریه‌های روسی و هندی داود خان را بحیث پیشوای کمونیزم در افغانستان یاد می‌کنند.

سردار داود خان بار دگر علی الرغم اراده مردم قدرت را بدست گرفت و با دوباره بیان آمدن او بساط ظلم و استبداد همار گشته دروازه زندان‌ها باز شد. تعقیب و جستجو عمومیت

یافت. شبکه های جاسوسی بار دیگر در سر ناصر کشور پخش شد؛ توطیه گری و دسیسه پردازیها اوچ گرفت. نفاق و خدمه و فربیت بحیث نقطه بارزی در نظام جدید بظهور آمد. بازار فساد فحشا. رشوت. چوره و چپاول گرم شد موثرها و خانه های دولتی میان رفقاء کمونیزم داود خان توزیع شد - اموال دولتی را غارت شد. متین از هرزه و نی سواد پست های مهم دولتی را بدست گرفتند. کمپودر بدنام و رسمانی حسن شرق بعنوان شخص درجه دوم اداره امور را بدست گرفت. سفله های جاهل پسر کرسی وزارت خانها تکبیه زدند. و اینکه سائز ادارات دولتی با چه قواره ها و محسمه های آشنا شده، مطلبیست که همه مردم ما می دانند. گرچه جاییکه پیشوای انقلاب دیوانه و جاهل باشد. جهالت و نی سوادی زبردستان جای تعجب نبوده بلکه نتیجه منطقی این چنین نظام ها غیر از این چیز دیگری بوده غنی تواند و از همین جاست که از باد آوری این لکه سیاه در تاریخ کشور همه احساس عار و تنگ می کنند.

سردار داود خان در عهد جدید خود ابتکارات نلاة را که در ساحه وحشت و استیداد روی کار آورده است ریکارد

نیکولای تزاری پدر استبداد کمونیزم والهام بخش لین و ستالین
و ادhem شکست. نیکولای موصوف عادت داشت که هر روز در
دربار خویش ووی لاشها و جمجمه انسان های مظلوم راه می رفت.
و گارد محافظ او با حمایی از جمجمه ها او را استقبال می کردند.
داود خان هم به همکاری سابق وزیر مسلح انسانی اش
فیض همد و وفاتی تردا منزه رسمای خلق و پرچم ریکارد جدیدی
وا قائم کرده و هر روز صحنه های آدم کشی نوی را نمایش
می دادند. و بنام کشف کودتائی میله های آدم کشی برای
می کشند. چنانچه مردم عزیز ما اطلاع دارند محابس د همزونگ
که وقیب سر سخت زندان ولادیبر و سائز زندان ها و محابس
وحشت ناک روسیه شده اند همه روزه شاهد تعذیب و کشتار هائی
وحشیانه می باشند آری در این زندان های هولناک و سائز
زندان های پر طول و عرض داود خان هزاران افغان و نجادیده
و معروف از میان طبقات مختلف مردم. از افسران دلیر اردوی
با شهامت افغان گرفته، تا پیشوایان محترم مذهبی. جمهوریت
عواهان واقعی، جوانان آگاه، پیغمبر مردان از پا افتاده و حتی
کودکان معصوم که تازه چشم بزندگی کشوده اند با وحشت و بربست

تعذیب و کشته می شوند .

قتل بے رحمانه مفکر دل سوز و سیاست مداری چون
میوند وال ، و جوانانی که هر یک چون سپیده هائی صبح گاهی
در افق آمال جامعه نیاز ما درخشیده بودند . کشتن افسران شجاع
و غیور یکه حافظ ناموس کشور بودند . آن همه از آن جنایات
تنگین و شرم آوری است که در این عهد سیاه و وحشت بار
بار باز تکرار شده است . شکار انسان هائی بے چاره و دریدن
پاره کردن اجساد مجرموین در کوههای پنجشیر که توسط کامندا وها
و برہبزی متخصصین روسی صورت گرفته بود و هدف گاوله
قرار دادن انسان های محروم و بے چاره که نخاطر لقمة نانی در
جنگلات جنوبی رنج می کشند . عربیان و برہنه نمودن . میخ و نعل
کردن پلست و پای علمای غیور ر شرافت مند لغمان در اجتماع
عمومی مردم ، اینها همه لکه های سیاه و خجالت آو ریست که
در این دوره شوم بار بار بچشم می خورد .

امروز هزاران فامیل افغان در آن حالیکه سینه های شان
سرشار از عشق وطن است ، خانه ها و دوستان مال و زندگی
خود را گذاشته از میهن محبوب خویش هجرت می کنند . اما

این نظام فاسد این افغان‌ها را در بیرون از کشور شان نیز آرام نمی‌گذارد. و صد‌ها عضو فاسد الاخلاق پرچمی را بعنوان جاسوسی وظیفه می‌دهد تا اینها را در حال دربدری مورد تعقیب و جستجو قرار دهند و اکنون دیده می‌شود حتی به تعقیب کارگران عادی که در کشورهای خلیج مزدوری می‌کنند جواہیس فرستاده شده تا آنها را مورد نظرت قرار دهند. قسمیکه صد‌ها تن از این پا را زیست‌ها بنام روغتیا پال و نگران‌های جنگل و بنام‌های دیگر استفاده شده اند تا مردم محروم ستمدیده اطراف را در قریه‌های محقر و فلاکت بارشان مورد تعقیب قرار دهند. و چه بسا که توسط راپورهای جعلی آزان سوقیات عسکری و هجوم‌های مسلحی بر قریه‌های بیلدفاع صورت گرفته و می‌گیرد چنانچه، همه اطلاع دارند چند ماه پیشتر نخاطر گرفتاری پیکنفر در قریه (مرور) علاقه کننرا سوقیات بزرگ عسکری صورت گرفت سیزده تانگ چهار موئز عسکر، هشت توب ثقلیل در این هجوم شرکت داشتند و پس روز مکمل قریه‌ها و کوه‌های اطراف با توب تانگ به آتش کشیده شد، و بعد از این همه عملیات وسیع خانه حمله صورت گرفت، و پیر مرد هفتاد ساله با بک جوان

محروم و چند زن و کودک در موتورهای عسکری انباشته شده
وبطرف سر نوشت نا معلومی سوق داده شدند . این
ترازبیدی های المناک هر روز در این جا و آنجا در هر گوشه
افغانستان عزیز تکرار می شود . و البته همه می دانیم که ملیونها
افغانی از اموال دولت که جزء اعظم آن را قرضه های کمرشکن
خارجی تشکیل می دهد در لین گونه اعمال و جاسوسی ها به
صرف می رسد : چندی قبل با غبانی در چغه سرای بگناه مطالبه
یک جلد کتاب دینی با همه افراد عایله اش به اردو گاه های
تعذیب داود خان تحويل شد ، و صد ها روستائی بی گناه مورد
شکنجه قرار گرفتند . سلاحیکه قرضه های آن کمر ملت را خم
کرده برای این خریسه می شود تا سینه خود همین ملت محروم
و ستم دیده را بشکافد .

با این همه فجایع در دنارک باز هم داود خان که شاگرد
غلص انگلیس و چاکر وفادار روسهاست چال و فریب را نیز
فراموش نکرده و می خواهد قیافه منحوس خویش را گاه گاه
تغیر دهد . با بررسی اعمال او در این جهت باین نتیجه می رسمیم
که تقلب و نفاق ، یک پدیده شوم دبگریست که در این عهد

شوم فراوان بچشم می خورد . و این نیرنگ را داود خان از اولین روز های کودتای سیاه خویش به کار بسته است . اما خوش بختانه به حکم این که دروغ کو حافظه ندارد اعمال بعدی او هر نیرنگ قبلی اش را افشاء نموده است .

بلى بيا در اولين روز کودتا داود خان اعلام کرد نظام او با روحیه واقعیه اسلام موافق است . و چند روزی لوحه هائی در بعضی از نقاط نصب شد و از اسلام و جمهوریت اسلامی حکایت می کردند اما بمحض استقرار نسبی نظام دشمنی با اسلام آغاز شد .

چندین هزار نسخه مجله پیام حق بخاطر این که در پهلوی کلمه جمهوریت لفظ اسلامی را ذکر کرده بود سان سور شد و مجله شرعیات به لحاظ این که مقاله ، آن هم دو ماه پیش از کودتا تحت عنوان اتحاد اسلامی نشر کرده بود بکلی از نشر باز ماند و مدیر آن محکوم به جزاء گردید . مدیر روزنامه ورانگه بحرب این که کلمه جمهوریت اسلامی را در روزنامه خود نوشته بود تهدید شد و بعد از هزار تکلیف و اعلان وفا داریء بی قید و شرط به نظام ، خود را خلاص کرد . پخش آذان از رادیو

کابل یه یک وقت محدود شد مضامین دینی را دیو شدیداً مورد سانسور قرار گرفت . تعداد حجاج از هفده هزار به چهار هزار نقلیل داده شد . جهت از بین بردن مواعظ دینی در مساجد لایحه از طرف ریاست اوقاف وزارت عدله تدوین گردید که در آن نهی عن المنکر را قطعاً منوع قرار داده و تعرض به العاد و کمونیزم را جرم مورد تعقیب می خواند . و این که در زندان ها بالای صد ها تن از علمای مذهبی چه می گذرد مطلیست که همه از آن آگاه بوده و نیازی به تذکر ندارند .

ملحوظه این همه دشمنی و عداوت به اسلام ادعاهای قبلی او را یک سره نقش بر آب ساخت . و منافقت او را بهمه مردم فاش نمود . نفاق او در چهره های مختلف بهمه هم وطنان واضح و آشکارا شده است . مگر همین سردار داود خان که خود در پایه گذاری خلق و پرچم شریک بوده و در همه تصمیم های او اراده این دارو دسته های مزدور دخیل است . اما با کمال ب حیائی هنگام توزیع شهادت نامه های فارغان پولتخنیک اظهار نکرد که او به هیچ گروهی مربوط نبوده و ارتباطش بگروهای سیاسی گناه است این سخنان در وقتی از زبان او شنیده می شود

که در آن وقت سلیمان لایق عضو کمیته مرکزی پرچم را بصفت
نماینده شخصی خود به اتحاد شوروی فرستاده، و در چوکات
وزارت داخله شبکه جاسوسی پردا منه را تاسیس کرده و سلیمان
لایق را با بودجه انگف و اختیارات وسیعی عهده دار آن نموده
تا به نفع پرچم و سرکوب جریان های مخالف فعالیت نماید،
باز همین داود خان است در آن - حالیکه برای ریشه کن
ساختن دین و مذهب از هر راه و وسیله استفاده می کند باز هنگام
دیدار با برخی از علمای مذهبی تمیح صفت اشک می ریزد.
که بگانه آرزوی او بیان آوردن حکومتی چون دوران خلافت
فاروق اعظم است.

و در آن وقت که در ماه مبارک رمضان با غبان و کارگران
باغ خود را در شمالی بروزه حوردن امر می کند، باز اشخاصی
را دستور می دهد که از کرامات و مقامات او افسانه سرایند
و راستی این خود از همان نوع حیله هائی فرسوده است که زمام
دارانی بند و بار پیوسته بخاطر اغوشی عوام افسانه سرایانی را
هدایت می دادند تا مجلس رقص و شراب . و فحشا آن ها را
در هاله از تبلیغات و افسانه های پرهیز گاری و پاک دائمی

ولی خدمت خویش بپوشانند.



آری نفاق و دوروثی داود خان یک موضع

از این صفتگات ننگین در عهد حیات صدارت او نیز بسیار دیده می شود : مگر همین داود خان - نبود که خود فحشا را عملاء رسمی ساخت و بوزارت داخله وقت خویش امر صادر کرده بود پولیس اشخاص را که در تفریگاه های عمومی در حال ارتکاب فحشا بییند مزاحم نشد . و بخاطر جلو گیری از ارتکاب فحشا در آن ملنج جان چند ضابط و جندین نفر پولیس محکوم بجزا شدند . باز همین داود خان است که در میان عوام پخش نموده است

که در میان خاندان مهد زائی یگانه شخصیتی که از فساد ، و فحشاء در امان مانده فقط اوست و بس : چنانچه هم وطنان عزیز اطلاع دارند شبکه منظمی از فرانسویان بخاطر پخش فحشا و عمومیت پخشیدن ترباک و هیروئین در میان جوانان کار می کنند . و دوست هم امکانات را برای شان آماده ساخته است هجوم فاحشه ها در رستوران های شهر نو و هتل های اطراف پشتونستان وات نمونه از این فعالیت های خائنانه را نشان می دهد .

در دوره جنایت بارکنوف او هجوم - رقصه ها را که

خاطر فاسد ساختن. اخلاق و تهذیب ملت مهدب ما صورت می گیرد جزء از پروگرام اعلان شدئیست که بنام تشویق هنر بعمل می آید و همه می بینم هفتة نمی گذرد که مشتی از فاشه های نیمه عربان از کشور های کمونستی و غیر کمونستی حتی از اسپانیه و استرالیا دعوت شده و بخاطر تماشای آن ها اعضای کمیته مرکزی و کابینه اشتراک می ورزند. باز هم هستند مدا حاتیکه این همه مفاسد. او را بنام رئیس با ایمان — لقب می دهند.

خلاصه فراورده های

کود نای داود خان.

علم جدید داود خان که با جنایات جدیدی آغاز شده و هر روز جنایت وحشت بار نوی به ارمغان می آورد کار های انجام داده که بصورت نمونه از موارد ذیل می توان نام برد.

- ۱- تلاش چا کر منشانه در جمیت - استحکام نفوذ روسیه شو روی در کشور. و سعی بخاطر عملی شدن خواب تزاری و نقشه سیاست طلبی استعمار جدید در قسمت را یافتن روسیه شو روی به بحر هند.

- ۲- تقویت هر چه بیشتر اینجنت های روسی پرچم و خلق
علی الرغم نفرت عمیق مردم از آنان .
- ۳- تغیر نشان محراب و منبر که رمز اسلامی کشور ما بوده
به نشانه کرگسی که علامت همان پرچم مشرکین بود که در جنگ
علیه پیغمبر بزرگ اسلام با خود حمل کرده بودند . داود خان
با این عمل خود نشان داد که پرچم دار مشرکین و دشمنان اسلام
بوده و با اسلام و مسلمانان اراده جنگ و عداوت دارد .
- ۴- گستردۀ شدن بساط ظلم و استبداد تا آنجا که از کمال
ظلم در این دوره دو تن از هم میهنان با شهامت و غیور ما برای
بار اول خود را در اجتماع عمومی بعنوان اعتراض به
آتش سوختند .
- ۵- عمومیت یافتن غارت گری اموال دولت . بخش فساد .
و رشوت و اقربا پروری .
- ۶- اختراع روش های جدید در صورت شکنجه ، تعذیب
و کشتار انسان های مظلوم و بے گناه کشور ما
- ۷- حاکمیت بخشنیدن قانون جنگل در بسیاری از موارد
بغضوص در مورد زندانیان .

- ۸- مجبور ساختن هزاران خانواده وطن دوست افغان تا
از - کشوه هجرت کنند .
- ۹- بالا بردن گراف بے کاری . و بے روزگاری و صمود
برق آسای نرخها .

۱۰- ارمغان آئین جدید - (آیدیو لوژی مل) .
از سوغات های عمده که رژیم داود خان به ارمغان آورده است اصطلاح آیدیولوژی ملی است او ملت افغانستان را متمهم به فقر آیدیبا لوژیکی نموده و خواهان اینست که مردم از آیدیولوژی ملی او پیروی کنند ، محتوى این آیدیولوژی تا هنوز روشن نیست ، امانتها چیزی که از این اصطلاح او برمی آید پیشک این است که از نظر داود خان آیدیولوژی کامل اسلامی ناقص و نارساست و از این لحاظ مردم را به پذیرش آیدیولوژی دست ساخته خود دعوت می کند .

دیگو این که سردار در لباس غلام محمد قادیانی دبگری که در ایجاد او استعمار کنه و نوهر دو دوست در دست همدبگر داده و او را بمبان آورده اند آئین جدیدی را به مردم افغانستان به ارمغان آورده است .
در اینجا مردم متدين م ملتفت خواهد بود که سردار

سبک سر تنها به این حد قانع نشده که علی الرغم اراده مردم
بروی شانه های شان سوار گشته و بزور تانگ مسلسل فرمان می
راند؛ باین حالت قناعت نمی کند و بلکه در هوای فرعونی افتاده
و ادعای آئین سازی و بالاتر ازان را دارد. و آیا این بک
اهانت بتاریخ قرهنگ وجودان ملت ما نیست که دیوانه
بد مستی که بزور تانگ قدرت را بدست گرفته چنین ادعا هائی
را هم بنماید. در عین حال او خود را مسخره می کند.
بلی این که دیوانه که در کمال نادانی و اختلال عقلی باب مکتب
جدیدی را باز کند، خود یاوه سرائی بیش نیست.

۱۱- ارمغان سوسیالیزم: از سوغات های دیگر سردار
داود خان اعلان سوسیالیزم است.

اصطلاح سوسیالیزم را بسیاری از هم وطنان ما می شناشند
که عبارت از آن نظام فاسد و ننگبینی است که هدف اساسی آن
ربشه کن ساختن ادیان. و پایه گذاری الحاد و استبداد است.
مردم ما جهت آشنائی با واقعیت و فجایع عملی آن ضرورت به
مثال و نمونه دیگری نخواهند داشت. چه دوره سه سال دیکتاتوری
داود خان که مقدمه برای اعلان سوسیالیزم بود چه فجایع نزد

ناک را نبود که با خود نداشت : استبداد این عهد شوم تنگیت
 با نظام پر از وحشت امپرا توران سوسيال اميراليزم کرمlein سخت
 رقابت می کند . کفرو الحاد به پیمانه وسیعی پنهش شد . امروز
 در دور ترین قریه ها کمونست ها در پناه رعایت دولت
 اندیشه های گمراه کن مارکس را تبلیغ می کنند . در جاییکه
 ملای قریه نمی تواند به آزادی قرآن کریم را بمردم ترجمه نماید
 کمونست ها آزادانه افکار غرب مارکس و لینن را بمردم بیان
 کرده و از آنها دعوت می کنند که اسلام را ترك کنند
 و کمونست شوند .

این همه در ذوره صورت می گیرد که مقدمه گذاری برای
 سوسيالزم است . و اگر خود سوسيالزم باقواره وحشت بار خود
 مباید و با همه ظلم و فسادی که دارد عملی گردد ، در آن حال
 چه تصور می کنید گراف استبداد تا کجا ها بالا خواهد رفت
 و دشمنی علیه اسلام تا به چه حد کسب شدت خواهد کرد .

داود خان مدعی است که او سوسيالزم را فقط در ساحة
 اقتصادی تطبیق می کند و چنانچه واضح است این سخن چنین
 معنی میدهد که گویا از نظر او اسلام ناقص و نارسا است

و والا چه باعث است که قواعد اسلامی را در این باب قابل تطبیق غنی داند. در حالیکه از نظر ملت متدین ما افغانستان هر نظام دیگر بغیر از اسلام مردود است. علاوه بر این داود خان می خواهد بزعم خود مردم ما را فریب دهد، یعنی او آرزو دارد مردم این سخن را قبول کنند که داود فقط در ساحة اقتصادی سوسیالست است نه در دیگر ساحه ها - او فکر می کند - مردم از این مطلب بخبراند که در نظام سوسیالزم اقتصاد زیر بنا خوانده شده و کسیکه زیر بناء را پذیرفت نتیجتاً روپنا های دیگر را نیز می پذیرد، و برای اثبات این موضوع دور غیر ویم و هم وطنان محترم را به خواندن ارگان تشریفاتی داود خان روزنامه جمهوریت دعوت می کنیم که در شماره ۱۳۵۴-۱۰-۳ خویش تحت عنوان (انقلاب اجتماعی) بقلم سقام که از رفقاء کمونیست داود خان است اما از اظهار نام اصلی خود در شرایط فعلی جامعه خود داری می کند نوشته شده است.

عامل اقتصادی در سیرخولات بنیاد و پیروزی یک انقلاب دارای نقش تعین کننده است. ولی دانش معاصر فقط متوجه تأثیرات زیست بنا بر روپنا نیست. بلکه روپنا اجتماعی یعنی

حقوق و سیاست - روحیات اجتماعی و امثال آن ها نیز بثوبه خود بر یک دیگر مؤثرند ، ولی نقش تعین کننده با زیربنای که اقتصاد است .

از مطالعه و تحلیل این مقاله که بیان گر عقاید داود خان در باب تاثیر اقتصاد بر حقوق ، سیاست ، و روحیات ، اجتماعی و امثال آن است ، این مطلب آشکار می شود که از نظر موصوف اقتصاد که نظر باعلان داود خان بر مبنای سوسيالزم استوار است نقش تعین کنند را دارد . یعنی معتقدات روابط اجتماعی ، مسائل حقوق و قضائی اندیشه های سیاسی جامعه ما باید همگی بازتاب این زیر بنای مادی باشد این خود همان نظریه مارکسیست هاست که در جهت حمله بر ادبیان پیوسته اظهار کرده و می کنند . پس لقب سردار سرخ را که در عهد صدارت خود از طرف روزنامه های جهانی بدست آورده بود حقیقتاً راست بوده و شایسته است که او را سردار سرخ و چاکر کمیونیزم بخوانیم . اگرچه از باب نفاق تقبیه کند و البته این کار را همیش کرده است ، تا جاییکه قبل از اعلان سوسيالزم به یکتن از تاجران می گفت من کی می توانم سوسيالیست باشم در حالیکه سرمایه دار ترین شخص

در این کشورم ، راستی سردار در مورد املاک خود سوسياليست نیست بلکه هدف او تخریب عقیده و فرهنگ است . او مانند باداران قصر کرمان خویش در زندگی شخصی کاپیتالست است اما در حق دیگران سوسياليست .

۱۲- وارد کردن مسوده قانون اساسی .

از ابتكارات دیگر سردار داود خان وارد کردن مسوده قانون اساسی برای کشور ماست ، شاید هم وطنان ما ملتفت ترتیب زمان اعلان سوسيالزم و قانون اساسی شده باشد که بتاریخ ۱۳۵۴ اعلان قبول سوسيالزم را نمود تا بینند مردم چه عکس العمل از خود نشان می دهند و به تعقیب آن به تاریخ ۱۳۵۴-۱۲-۲۹ خبر مسوده قانون اساسی را پخش کرد ، و تصور کرد چون مردم در اعلان سوسيالزم عکس العمل فوری نشان ندادند . شاید در مورد گنجانیدن سوسيالزم در قانون وارداتی او هم خاموش خواهند نشست . مگر ملت متدين افغان که تعالیم ارحمند اسلام را بقیمت جان خود حفظ کرده هرگز اجازه نخواهند داد داود خان و با دارانش آئین آنان را به نظام ننگین سوسيالزم . ولو در هر شکلیکه باشد و هر نامی که به آن گذارند ، تغیر دهد .

مردم غیور با ایمان افغانستان اخطار می دهند زینهار از اینکه بنام سوسيالزم و يا کدام عنوان ديگرني کسی در زير بنای اعتقادی و تعالیم دینی آنان تغیری وارد آورد.

مسوده قانون اساسی داود خان از نظر مردم متدين افغان از هر جهت مردود است. چه از یک طرف در ترتیب مسوده آن فکر و ارمان خود مردم منعکس نشده و تا هنوز روش نیست که کدام قدرت استعباری و بخاطر استحکام چه نوع مصالح خود این قانون را تسویید کرده است.

ديگر این که در شرایط استبداد و اختناق ، که مجالی به آرای نظریات مردم در تعین سرنوشت شان نباشد ، و حتی ندانند توسط چه کسی و در کجا این قانون مسوده شد آیا ممکن است مردم ما چنین قانونی را بحیث قانون اساسی خود پیذیرند . قانونی که - دولت در تنظیم آن خود کوزه و خود کوزه گر و خود گل کوزه باشد محال است که مردم آن را پیذیرند - دولت این قانون را از هر جا که خواسته و وارد کرده سپس آن را به عمال خود سپرده تا - تصوییش کنند : کمیسیون قانون اساسی - خود یک اهانت دیگریست که بمقام معنوی ملت افغان شده و ضربت

کشته شده نیست که بر ملت - با تاریخ و فرهنگ ما وارد شده است .
 مگر سپردن قانون اساسی غرض تصویب به کمیسیونیکه مرکب
 از کمپودر حیوانات چون حسن شرق و کور بے سوادی چون
 عبدالاله وعده از تایپست ها و قابله ها اهانت به ملت ، با فرهنگ
 و تاریخ افغانستان نیست . شما از باب تجربه یک صفحه از
 خوان و بدان وزارت معارف را به عبدالاله بسپارید اگر آن را
 تا آخرین سطر صحیح خواند - راستی که دولت در انتخواب
 خود حق بجانب است : و الا چرا با این بیشتری ملت ما را در
 انتظار جهانیان جامل و بی فرهنگ معرفی کند .

این قانون فقط فریب کاری و حیله گری است چنین قانونی
 هرگز ترجمان آرزو های مردم - و باز تاب عقیده) و فرهنگ
 آنان شده نمی تواند . پس یک سره مردود است .

۱۳- دسیسه حزب جمهوریت

سردار در پهلوی سائر جنایات شوم و ننگین . ایش
 از بین بردن همه انواع آزادی ها . و محکوم ساختن ملت محروم
 بیچاره ما - و در راه خاموش ساختن همه آواز ها - دسیسه حزب
 جمهوریت را روی دست گرفته - تا قافله از برده کان حلقه بگوش .

و سپاهی از مدارhan کاسه لیس را گرد آورد - تا از راه آن آزادی ها را مختنق ساخته و بساط ظلم و استبداد خود را گسترد
تر سازد . نام نویسی و سر شماری برای حزب به فجیع ترین شکلی صورت می گیرد . چون ملت ما ابعاد این دسیسه را درک کرده آماده نیستند که عضویت ننگین آن را قبول کنند . لذا از راه تهدید و فشار - توبیخ و تطمیع نام نویسی صورت می گیرد . شاگردان معارف به اخراج از مکتب - و مأمورین بزندان و بر طرف - نهادید می شوند - علمای مذهبی به چهارونی ها خواسته می شوند - و تحت تهدید تانگ مسلسل وعده همکاری از آن ها گرفته می شود . و بگروهی هم پول و رشوت داده می شود تا عضویت این باند خائنانه را قبول کنند

اما با وجود این همه فشارها و رشوه ها مردم از آن عینتاً نفرت داشته و اماده نیستند تاریخ آینده خود را از راه عضویت در این باند لکه دار سازند و از طرف هم به این حقیقت آگاهی دارند که عمر این حزب و این نظام بسیار کوتاه ست زیرا هیچ عاملی برای بقای نظام خائنانه داود خان وجود ندارد . و آن روز بعید نیست که مردم با قیام مردانه خود این بساط ننگین را

بر چینند . و این لکه را از تاریخ خود دور سازند و آن عدد از مردم که بحکم محبویت عضویت آن را پذیرفته اند تضمیم دارند آگاهانه آن را از داخل منفجر سازند زرا برای هر افغان عار است که بزر فومندۀ باندیش سرکرده هایش خائنان وطن فروش — و جاهلان مادر زاد باشند حرکت کنند .
داود خان در آئینه بن‌المللی .

فجایع داود خان و نظام ننگین او را همه شناخته اند - در کشور های بی طرف از دول اسکنند ناوی گرفته تا شمال افریقا و هسپانیه و در همه کشور های اسلامی این نظام مردود شناخته شده است .

در سال ۱۳۵۴ غایبندگان سیزده کشور اسلامی در کنفراسی که بخاراط مبارزه علیه کمونیزم در بیروت دائز شده بود ، اشتراك کنندگان در قطع نامه خود ، آدم کشی و استبداد حکومت داود خان و سید باری جlad صومال را که هر دو از چاکران سوسال امپریالزم ازاء بشدت تقدیح کردند ، و پشیمانی خود را از مبارزه مردم مستدین این دو کشور علیه الحاد و کمیونیزم اعلام گردند :

وابطه عالم اسلامی چندین بار از ظلم و استبداد داود خان شکایت و احتجاج نموده و اعمال وحشیانه او را در رابر مردم مسلمان افغانستان به شدت تقبیح کرده است. در سال گذشته که نماینده افغانی در کنفووانس بیغام مسجد اشتراک نموده بود نفرت عمیق نمایندگان را علیه داود خان احساس نمود جراید کویتی و لبنانی استبداد و وحشت این نظام را بار بار تقبیح کرده اند. و این که بعضی از کشورهای اسلامی بملت افغانستان قرض می دهند. مفهوم آن را ندارد که این نظام در نظر این کشورها مردود نیست. آن ها بخاطر این که کشور عزیز ما را از سقوط در کام اژدهای کمونیزم نجات داده باشند قرضه های باین نظام می دهند.

جراید سویلدنی داستان آدم کشی دولت و زنده بگور کردند. مخالفین را در قضیه پنجتیپر طی چندین مقاله تقبیح کرده اند. جریده لوموند فرانسوی طی مقاله مفصل بقلم (جين دي لاگیور) می نویسد: افغانستان در مواردی دیوار آهن بسر می برد. همه قدرت ها در احتکار داود است. او هم رئیس دولت است. هم صدر اعظم، هم وزیر خارجه، هم وزیر دفاع، از

کمیته مرکزی پرسنل ارای نام بردہ می شود مگر اعضائی حقیق آن روشن نہستند.

بعد از عیان آمدن داود خان مردم سخت نیاز احت شده و چندین بار علیه او قیام کرده اند. تا حال سه راز کودتای ناکام علیه او صورت گرفته است. داود خان بیش از دو صد تن از شخصیت های مذهبی را به گناه مطالبه جمهوریت اسلامی و حکومت خنثیدن قرآن و سنت، زندانی کرده است. البته این تعداد را غایبند لوموند در روزهای اول بگیر و به بندها بدست آورده باشد زیرا اکنون رقم این زندگان نیهائیکه ب مجرم عقبده و ایمان بندی شده اند بسیار زیاد است. مردم همه ناراض اند در عیان قوای مسلح سخت نا آرامی وجود دارد داود خان قدرت را به پیروان مخلص روسیه و مارکسیستها سپرده است. از جمله فیض مهد و باختری، که از پیروان دو آتشی مارکس اند. در اواخر جولائی و اگست ر مرکز مختلف حکومتی در نقاط متعدد توسط مردم حمله صورت گرفت. گرچه دولت فقط قضیه پنجشیر نام برد. امام حمله در ولاپات مختلف همزمان صورت گرفته بود نویسنده در اخیر مقاله خویش، می نویسد داود خان

با وجود همه ادعا هایش خود او یک مرد انقلابی نیست ، زیرا از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ یعنی ظرف ده سال که قدرت را بدست داشت کمترین او

براستی این مطلب کاملاً حق است . داود خان در عهد صدارت خویش بخاطر استحکام پایه های لرزان نظام شاهی صد ها تن را بزنند انداخت . پس چه طور می توان او را یک انقلابی مخالف نظام شاهی خواند . او که هم اکنون زمین های خود را بفروش می رساند تا پول آن ها را به بانگ های خارجی انتقال بدهد ، چه طور می تواند اصلاحات ارضی واقعی را بیان آورد . مردم می دانند این حرفها همه یک حیله و نیرنگ است که به این وسیله دست به یک تصفیه دیگر دست زده می شود ، تا باز گروهی بنام این که مخالف قانون اصلاحات ارضی اند ، تحويل زندان گردند .

روزنامه اسیانوی بنام پیلو در مقاله تحت عنوانی (افغانستان یک کشور عجیب) بقلم وايس تالوو ، عهد حاضر داود خان را مورد تبصره قرار داده می بویسد : افغانستان با همه کوههای شامخ و سر بغلک ، دشت های وسیع و امکانات خوبیش بطرف

پائین آسا غرق می شود .

با وجود وعده های توسط زعیم جدیه که سه سال پیش قدرت را بدست گرفته بود کمترن کاری صورت نگرفته است هیچ پیش رقی در تحت رژیم جدید بوجود نیامده . بسیاری مردم فکر می کردند بعد از این که رژیم شاهی یکمپوری تبدیل شد تغیراتی رونما نگردد . اما هیچ نشد حوادث عمدۀ که صورت گرفت همانا تصمیم چندین کوادتای ناکام است که غرض سرنگون ساختن این نظام صورت گرفته است . همه این مطالب را جرایدی نوشته اند که از هر لحظه ب طرف بوده و با داود خان هیچ حد بخشی ندارند . پس این ها نشان دهنده این حقیقت اند ، که رژیم داود خان در ذهنیت همه جهانیان مردود است .

مستقبل هولناک .

گذشته ننگین و حاضر جنایت بار و فجایع مسلسل داود خان بیان گر این حقیقت است که با وجود این ذعامات منحوس ، آینده هولناک در انتظار ملت افغان است . داود خان کشور ما را قدم بقدم بسوی تباہی و نابودی سوق می دهد - با دوام زعامت او - استقلال سیاسی و فرهنگ افغانستان در خطرنا بودی

قرار دارد . بقای او بساط ظلم را گسترده تر می سازد بر فقر
و نے روزگاری مردم می افزاید ملت با تهذیب ما را در لجن
زار فساد غرق می کند . ریشه های اصیل موجودیت و استقلال
ملی ما را قطع می کند . کشور را بحیث میدان نفوذ و پایگاه
استعمار - نوین تبدیل می کند . تضاد ها تشدید می گردد . جرایم
و پا را زیتهای هواداران کرملین تکثیر نموده و به هر طرف پخش
می شوند . استعداد ها و مغز های مفکر جامعه یا فرار می کنند
و یا زندانی و پاکشته ، و یا نظر بند می گردند میدان برای
چاکران فرمان بردار و کور سوادان و کور دماغان خالی می ماند
کشور تا گلودر قرضه های خارجی غرق شده و چندین نسل بعد
ترهم نمی تواند از زیر بار گران و امهای خارجی شانه خود را
خالی کند . مواد خام و پیداوار طبیعی ما را ازدهای سوسیال
امپریالزم پیشتر خواهد بلعید . و مردم ستم دیده و محروم ما با
اندام های نیمه برهنه ولاغر - چهره های غم انگیز و زعفرانی ،
در زنجیر محکومیت خارجیان قرار خواهند گرفت . اما ملت غیرت
مند ما به این ذلت تن خواهند داد . این سوالیت که ^{جهان}
را شجاعان رزممند افعان زود خواهند داد .



... خریدن اسلحه فرسوده و کهنه قرارداد
سایر اموال غیر اقتصادی روسی ، همگی روی
همین هدف صورت گرفته است تاکشور ما در زنجیر
قروض روسی اسیر بماند واستقلال اقتصادی و سیاسی
خودرا از دست بدهد . بخاطر راه یافتن امپراطوری
شوری به بحر هند موضوع پشتونستان را داغ
ساخت و چندین بار زمینه پیاده شدن عساکر روسیه
را درکشود ما آماده ساخت اما شرایط ملی وین
مللی مانع این کارشد ...

از من کتاب